

تنش هسته‌ای روسیه و غرب ادامه می‌یابد

برای دهه‌ها، یکی از پایه‌های امنیت بین‌المللی، گفت‌وگو میان مسکو و واشنگتن درباره کنترل تسلیحات هسته‌ای بود. اما در سال‌های اخیر، این گفت‌وگو تقریباً به طور کامل متوقف شده و استفاده از تهدید به استفاده از تسلیحات هسته‌ای به شدت افزایش یافته است. در ماه مه، روسیه در پاسخ به آنچه که حمایت مستقیم غرب از اقدامات تروریستی علیه روسیه نامید، مانورهای هسته‌ای تاکتیکی برگزار کرد. مقامات روسیه حتی تهدید کردند که از تسلیحات هسته‌ای استراتژیک علیه غرب استفاده کنند. مسکو پیشنهاد واشنگتن برای از سرگیری مذاکرات کنترل تسلیحات را رد کرده است. این کشور به وضوح اعلام کرده که کنترل تسلیحات هسته‌ای برایش اولویت ندارد و تا زمانی که خواسته‌هایش در سایر زمینه‌ها برآورده نشود، به نقض تابه‌های هسته‌ای ادامه خواهد داد. به عبارت دیگر، روسیه از تمایل آمریکا برای کنترل تسلیحات سهواً استفاده می‌کند. استفاده از تهدید هسته‌ای به یک روال عادی برای کرملین تبدیل شده است. هر بار که کیف به تسلیحات جدیدی مجهز می‌شود، اجازه استفاده از سلاح‌های غربی برای حمله به خاک روسیه را پیدا می‌کند یا به سیستم‌های هشدار موشکی روسیه حمله می‌کند، مسکو به تهدید هسته‌ای متوسل می‌شود. در حقیقت، روسیه سال‌هاست که تلاش می‌کند غرب را با تهدیدهای هسته‌ای تحت فشار قرار دهد. در سال ۲۰۱۸، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، با اعلام توسعه تسلیحاتی که تحت پوشش معاهده کاهش تسلیحات راهبردی (START III) نیستند، از جمله موشک کروز دوربرد پوروستنیک و اژدر اتمی پوزئیدون، اوضاع را پیچیده کرد. همه این اقدامات با هدف نمایش برتری استراتژیک روسیه، تأثیرگذاری بر نهادهای ایالات متحده و متقاعد کردن واشنگتن به پذیرش مواضع روسیه در سایر مسائل بود. از زمان آغاز درگیری در اوکراین، وزارت دفاع روسیه تسلیحات هسته‌ای را به عنوان تنها مانع جنگ با ناتو می‌بیند، در حالی که وزارت خارجه آن‌ها را به عنوان یک ابزار دیپلماتیک مانند ابزارهای دیگر در نظر می‌گیرد. به همین دلیل، موافقت با مذاکرات کنترل تسلیحات هسته‌ای در حال حاضر در مسکو به عنوان یک شکست تلقی می‌شود. علاوه بر این، بسیاری در روسیه معتقدند که نظام کنترل تسلیحات دوران جنگ سرد براساس خواسته‌ها و شرایط مدنظر غرب ایجاد شده است و می‌خواهند این وضعیت تغییر کند. از دیدگاه آن‌ها، دخالت غرب در اوکراین نتیجه بازدارندگی ناکارآمد هسته‌ای است و بحران موشکی کوپا در سال ۱۹۶۲ مثالی از چگونگی استفاده موفقیت‌آمیز از تهدیدات هسته‌ای برای دستیابی به اهداف نظامی-سیاسی است. در واکنش به حمایت آمریکا از کی‌یف، روسیه تسلیحات هسته‌ای خود را بلاروس مستقر کرده، از پیمان جامع منع آزمایش‌های هسته‌ای خارج شده و مشارکت خود را در معاهده کاهش تسلیحات راهبردی (START III) تعلیق کرده است. این اقدامات با هدف ترساندن واشنگتن به تقسیم جهان، یا حداقل اروپا، به حوزه‌های نفوذ انجام شده است. این اقدامات نتایجی داشته‌اند: وعده‌های حمایت آمریکا از اوکراین با استثنایهایی همراه شده‌اند و واشنگتن برای مذاکرات کنترل تسلیحات راهبردی و ممنوعیت تسلیحات هسته‌ای در فضا فشار می‌آورد (البته مسکو هرگونه ابتکاری را که تنش‌ها را کاهش دهد، رد می‌کند). با این حال، کرملین هنوز فاصله زیادی با پذیرش درخواست‌های جدانگیزی خود توسط واشنگتن دارد. ایالات متحده نیز نتها حمایت خود از اوکراین را کاهش نمی‌دهد، بلکه آماده پاسخ به سبک بحران موشکی کوپا نیست. این بدان معناست که روسیه به تشدید تنش‌ها ادامه خواهد داد. گزینه‌های مسکو شامل تغییر دکتراست استفاده از تسلیحات هسته‌ای، افزایش ذخایر تسلیحاتی، ساخت سیستم دفاع موشکی ملی، افزایش قابلیت‌های هسته‌ای در منطقه کالیفرنیا-گراد و حتی اجرای یک «انفجار هسته‌ای نمایشی» است. مسکو امیدوار است که پس از تغییر حکومت‌ها در غرب، خواسته‌هایش برآورده شود. واشنگتن نیز ایده‌های مشابهی برای روسیه دارد. آنها فراموش نکرده‌اند که چگونه ورود میخائیل گورباچف در سال ۱۹۸۵ منجر به توافقات کنترل تسلیحات هسته‌ای و ایجاد ثبات در اروپا شد. این انتظارات نشان می‌دهند که روند‌های نگران‌کننده کنونی ممکن است سال‌ها ادامه یابند؛ حداقل تا زمانی که پوتین در قدرت باقی بماند.



محمدحسین لطف‌الاهی

خبرنگار گروه بین‌الملل

در شرایطی که دونالد ترامپ در انتخابات پیش رو پیروز شود، در سال ۲۰۲۸ نمی‌تواند دوباره در انتخابات شرکت کند و این مسئله باعث می‌شود اینکه چه کسی معاون او باشد، اهمیتی دوچندان پیدا کند.

سال ۲۰۱۶، زمانی که دونالد ترامپ برای نخستین بار تلاش می‌کرد تا عنوان کاندیدای نهایی حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری را از آن خود کند، یکی از جدی‌ترین منتقدان او در درون حزب، جوانی ۳۱ ساله به نام جی.دی. ونس بود که پس از بازگشت از جنگ در عراق به دانشکده حقوق دانشگاه بیل رفته، از سرمایه‌گذاران سلیکون ولی به شمار می‌رفت و به تازگی با انتشار کتاب «مرثیه هیل بیلی: خاطرات یک خانواده و فرهنگ در بحران» شهرت زیادی برای خود دست و پا کرده بود.

ونس در آن زمان ترامپ را فردی معرفی می‌کرد که می‌تواند «هیتر آمریکا» باشد. او در گفت‌وگویی که آگوست ۲۰۱۶ با NPR داشت، گفت: «واقعاً نمی‌توانم رفتارهای ترامپ را هضم کنم.» در مصاحبه‌ای دیگر با چارلی رز که اکتبر ۲۰۱۶ (چند هفته پیش از انتخابات) برگزار شد، اعلام کرد که «من هیچگاه طرفدار ترامپ نبودم، من هیچ‌وقت او را دوست نداشتم.»

ظرف ۸ سال همه چیز برای این دو نفر تغییر کرد. ترامپ در سال ۲۰۲۰ در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورد تا در پی ادعاهای خود پیرامون تقلب در انتخابات مورد انتقاد بخشی از جمهوری خواهان ارشد از جمله کوین مک کارتی، رهبر جمهوری خواهان در مجلس نمایندگان و میچ مک کاتل، رهبر جمهوری خواهان سنا قرار گرفت. این فضا، ترامپ را به سمت‌وسویی هدایت کرد که در انتخابات ۲۰۲۲ خواهد با استفاده از بدنه هواداران خود، جمهوری خواهانی را راهی کنگره و سنا کند که از نظر فکری به او نزدیک‌ترند. برای جی.دی. ونس که برای اولین بار می‌خواست شانس خود را برای ورود به مجلس سنا بیازماید، این یک فرصت بزرگ محسوب می‌شد. او در سال ۲۰۲۲ ضمن پس گرفتن تمام انتقادهای پیشین از ترامپ، کوشید تا به واسطه دونالد ترامپ جوینور، پسر رئیس‌جمهور سابق آمریکا خود را به ترامپ نزدیک‌تر کند و از حمایت ترامپ برای پیروزی در انتخابات مجلس سنا بهره گیرد. او در طول کارزار انتخاباتی خود ترامپ را «یک رئیس‌جمهور بزرگ» معرفی و دروغ‌های او درباره تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ را تکرار کرد و سرانجام توانست به عنوان سناتور از ایالت اوهایو وارد مجلس سنا شود.

سرانجام، روز دوشنبه ۱۵ جولای ۲۰۲۴، ترامپ در کنوانسیون ملی حزب جمهوری خواه، جی.دی. ونس را به عنوان کاندیدای معاونت ریاست جمهوری معرفی کرد تا آمریکا شاهد تکامل روند تبدیل شدن یک منتقد ترامپ به یکی از نزدیک‌ترین متحدان او در حزب جمهوری خواه باشد.

کوین رابرتز، رئیس بنیاد محافظه‌کار هریتیج، ونس را یک صدای پیشرو برای جنبش محافظه‌کار در مورد مسائل کلیدی از جمله دور شدن از سیاست خارجی مداخله‌گرایانه، اقتصاد بازار آزاد و فرهنگ آمریکایی لیبرال می‌داند.

زندگی شخصی و محیط زندگی جی.دی. ونس نقش زیادی در شکل‌گیری افکار او داشت. به گزارش نیویورک‌تایمز، او در دوم آگوست ۱۹۸۴ در میدل‌تاون ایالت اوهایو به دنیا آمد. کتاب خاطرات او یا همان «مرثیه هیلبیلی» که به آن اشاره شد نیز مشکلات اجتماعی-اقتصادی در زادگاه جی.دی. ونس و چرخه فقر در منطقه «آیالاشیا» بر بررسی می‌کند، فرهنگ خودتخریبی در مناطق روستایی آمریکا را مورد انتقاد قرار می‌دهد و تلاش می‌کند محبوبیت ایده‌های محافظه‌کارانه را در میان سفیدپوستان آمریکایی کم‌درآمد توضیح دهد. ونس در کتاب خاطراتش، کودکی‌اش را سرشار از فقر و آزار و اذیت توصیف کرده، و گفته است که پدر و مادرش خیلی زود از هم جدا شدند. پس از این رویداد، او و خواهرش سال‌های زیادی را با مادر بزرگ‌شان زندگی کرده‌اند. اما بسیار مهم‌تر از آنچه ونس در گذشته‌اش تجربه کرده، نگاهی است که او امروز به موضوعات چالش‌برانگیز و تعیین‌کننده در عرصه سیاست داخلی و خارجی آمریکا دارد.

در ادامه خواهیم دید که او در برخی از این موضوعات کلیدی کجا ایستاده و در صورت دستیابی به قدرت چه مسیری را دنبال خواهد کرد.

▼ سیاست داخلی

سقوط جنین: نامزد معاونت ریاست جمهوری حزب جمهوری خواه به‌طور کامل با سقط جنین مخالف است. او حتی سقط جنین را در مواردی نظیر تجاوز یا ارتباط با محارم نیز اشتباه می‌داند و معتقد است تنها استثنا زمانی است که جان مادر در خطر باشد.

ونس، سال گذشته از تصمیم دیوان عالی فدرال برای ابطال رویه حقوقی «رو علیه وید» حمایت کرد. این رویه حقوقی که براساس حکم قضات دیوان عالی در سال ۱۹۷۳ شکل گرفته بود، تفسیری را از متمم‌های ۱۴ و ۹ قانون اساسی آمریکا ارائه می‌داد که براساس آن آزادی‌های فردی مصرح در قانون و ضرورت حفظ حریم شخصی افراد این اجازه را به زنان می‌دهد که در خصوص پایان دادن به بارداری‌شان تصمیم‌گیری کنند. با این حکم دیوان عالی حق دسترسی نامحدود به سقط جنین در سه‌ماهه نخست بارداری و دسترسی محدود در سه‌ماهه دوم، برای همه زنان آمریکایی مهیا شد. با این حال در ژوئن ۲۰۲۲، قاضی از



عکس: AFP

نسخه کوپچ

جی.دی. ونس چه نگاهی به موضوعات کلیدی در سیاست داخلی و خارجی دارد؟

انترگذار باشند.

مهاجرت: یکی از اولین موضوعاتی که در تبلیغات کارزار انتخاباتی جی.دی. ونس در سال ۲۰۲۲ به آن اشاره شد، موضوع مهاجرت و ضرورت مقابله با مهاجران غیرقانونی بود. در حالی که تبلیغات عمدتاً توسط استراتژیست‌ها و مدیران کارزار طراحی می‌شوند، ونس تأکید دارد که اولین تبلیغ با موضوع مهاجران را خود او شخصاً نوشته است: «سیاست مرزهای باز جو بایدن در کشتن اوهایویی‌هاست.» ونس در این ویدئو به دوربین نگاه می‌کند و می‌گوید: «این سیاست مرزهای باز باعث می‌شود مواد مخدر و همچنین رأی‌دهندگان دموکرات بیشتری وارد کشور شوند.»

در موضوع مهاجرت نیز سیاست‌های ونس شباهت‌های زیادی با سیاست‌های ترامپ دارد. او خواهان تکمیل روند ساخت دیوار در مرز جنوبی آمریکا شده و اعلام کرده با هرگونه سیاست مماشات در قبال مهاجران غیرقانونی که به هر نحو ممکن خود را به ایالات متحده رسانده‌اند، مخالف است.

به باور او، مهاجران غیرقانونی «منبعی مهم از کارگران ارزان قیمت را در اختیار کارفرمایان قرار می‌دهند و این مسئله باعث کاهش حقوق و دستمزد کارگران آمریکایی در ایالت‌هایی نظیر اوهایو می‌شود.» ونس در یکی از سخنرانی‌های خود در ایالت اوهایو گفته بود: «اگر شما نتوانید مهاجران غیرقانونی را به عنوان کارگر استخدام کنید، آن‌گاه مجبور خواهید شد به سراغ شهروندان آمریکایی بروید و راهی برای جلب رضایت آن‌ها پیدا کنید.»

۶ ژانویه: یکی از مهم‌ترین دلایل نزدیکی ونس به ترامپ و انتخاب شدن او به عنوان نامزد معاونت ریاست جمهوری حزب جمهوری خواه، همسویی باورهای ونس با باورهای ترامپ در خصوص انتخابات ۲۰۲۰ است.

ونس طی یکی از سخنرانی‌های انتخاباتی خود در اوهایو گفته بود: «من فکر می‌کنم که انتخابات از ترامپ دزدیده شد.» این اظهارنظر او را از جمله انکارکنندگان سلامت انتخابات ۲۰۲۰ قرار داد. ونس همچنین نقش داشتن ترامپ در ماجرای شورش

مجموع ۹ قاضی دیوان عالی حکم به ابطال این رویه حقوقی دادند و ایالت‌ها را مجاز کردند که براساس تشخیص خود محدودیت‌هایی را برای سقط جنین در نظر بگیرند. نامزد معاونت ریاست جمهوری از حزب جمهوری خواه در طول کارزار انتخاباتی خود نیز که چند ماه پس از صدور این حکم از سوی دادگاه عالی صورت گرفت، یکی از مهم‌ترین بخش‌های تبلیغات انتخاباتی خود را «ممنوع کردن سقط جنین» قرار داده بود.

در حال حاضر به‌طور کلی در ایالت‌های آبی (ایالت‌هایی که دموکرات رأی می‌دهند) سقط جنین محدودیت‌های بسیار کمتری دارد و در مقابل در ایالت‌های قرمز (ایالت‌هایی که جمهوری خواه رأی می‌دهند) تبعات سنگینی برای سقط جنین در نظر گرفته شده است.

جی.دی. ونس به‌رغم اینکه پیش از این گفته بود این موضوع را موضوعی ایالتی می‌داند و ایالت‌ها باید بتوانند درباره مسئله سقط جنین مستقل تصمیم بگیرند، از طرح لیدنسی گراهام، سناتور ایالت کارولینای جنوبی که به دنبال ممنوع کردن سقط جنین پس از هفته پانزدهم بارداری و تبدیل آن به یک قانون فدرال است حمایت می‌کند.

براساس نظرسنجی مؤسسه KFF در ماه مارس، ۵۵ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که سقط جنین باید به عنوان یک حق در سطح ملی شناخته شود. همچنین یک نفر از هر ۸ آمریکایی موضوع سقط جنین را اصلی‌ترین موضوع مدنظر خود برای انتخاب کاندیدای می‌داند.

از میان افسرادی که اعلام کرده‌اند سقط جنین را مهم‌ترین موضوع برای انتخاب کاندیدا می‌دانند، ۳۸ درصد سیاست‌های بایدن -هریس را سیاست صحیح در این زمینه می‌دانستند و ۲۹ درصد نیز از سیاست‌های ترامپ (که بسیار شبیه به ونس است) در این زمینه حمایت می‌کردند.

هرچند در نگاه نخست، این ارقام، ارقامی قابل توجه به حساب نمی‌آیند اما در یک انتخابات نزدیک که هیچ‌یک از کاندیداها برتری جدی به دیگری ندارد، این عددها می‌توانند